

بررسی تأثیر وسایل ارتباطی نوین بر گروه‌های خانوادگی (مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه شیراز)

بیژن خواجه نوری^۱، لیلا بهمنی^۲، مریم سادات دل آور^۳

۱- دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

۲- کارشناس ارشد مطالعات زنان دانشگاه خوارزمی

۳- کارشناس ارشد علوم اجتماعی دانشگاه شیراز

چکیده

هدف از نگارش پژوهش حاضر، بررسی تأثیر وسایل ارتباطی نوین بر گروه‌های خانوادگی و چگونگی پیوند آنها در جامعه مورد مطالعه است. برای بررسی این موضوع از روش پیمایش و اطلاعات آن از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است. جامعه آماری این پژوهش، شامل دانشجویان دختر دانشگاه شیراز است که با استفاده از جدول لین و خطای ۵ درصد ۳۹۵ نفر برآورد شده و در نهایت نمونه مورد نظر، با روش خوشه‌ای انتخاب شد. نتایج به دست آمده از این پژوهش، حاکی از آن است که میزان استفاده از وسایل ارتباطی نوین با وضعیت تأهل، ارتباط ناب و مردسالاری و گروه‌های خانوادگی رابطه معناداری دارد.

واژه‌های کلیدی: گروه‌های خانوادگی، مردسالاری، وسایل ارتباطی نوین (اینترنت، تلفن همراه، ماهواره)، ارتباط ناب.

بیان مسئله

انسان در آغاز در یک گروه خویشاوندی (گروه خانوادگی) به دنیا می‌آید و به آن تعلق دارد؛ سپس این قالب به مجموعه‌ای از قراردادها و قانون‌ها تبدیل می‌شود که به صورت قوانین مربوط به سرزمین شهروندی و توافقات اقتصادی و نیز توارث و وفاداری "در قالب خانواده" نمودار می‌گردد. مین، خانواده را جزء مهمترین نقاط آغاز تحولات اجتماعی در نظر می‌گیرد که به تدریج سیاسی و قانونی‌تر نیز می‌شود. خویشاوندی مجموعه روابطی است که افراد یک گروه را به صورتی خاص پیوند می‌دهد. خانواده، سلول خویشاوندی است که در عین حال منسجم‌ترین و محکم‌ترین حلقهٔ پیوند خویشاوندی را نیز تشکیل می‌دهد و پایه و اساس این روابط است. خانواده، کوچکترین جزء این کلان است. به بیان دیگر، هر کلان از مجموعه‌ای از خانواده‌ها پدید می‌آید (مقصودی، ۱۳۸۶). تغییرات اخیر در زندگی خانوادگی، ارزش شبکه خویشاوند و برخوردها و روابط خارج از خانه را افزایش داده است. در سال‌های اخیر اهمیت تماس‌های خویشاوندی با شناخت نقش کلیدی شبکه‌های خویشاوندی و سایر شبکه‌های اجتماعی در حفظ سلامت جامعه، افزایش یافته است (مورفی^۱، ۲۰۰۸: ۲۰). در عصر حاضر، انسجام در درون خانواده‌ها به سمت ارتقاء و افزایش اعتماد در جامعه، تمایل دارد. اگر چه با تأکید بر پیوند سرمایه اجتماعی با یک گروه کوچک، به ویژه اعضای خانواده، همراه است، اما ممکن است پیوند با خانواده، برای ترویج فعالیت‌های مدنی به عنوان "پل ارتباطی" سرمایه اجتماعی با شبکه‌های گسترده‌تر کمتر مفید باشد (پوتنام، ۲۰۰۰: ۳۶). البته تغییراتی که با ورود ابزارهای نو ارتباطی در روابط اجتماعی بوجود آمده را در گوشه و کنار جامعه شاهد هستیم. فناوری‌های نوین ابزار قدرتمندی هستند که در کمترین زمان ممکن می‌تواند میان مردم جهان ارتباط برقرار سازد. این ابزار ارتباطی قدرتمند با اطلاعات سروکار دارد. فناوری اطلاعات در جهان امروز چشم اندازهایی را برای جهانیان به ارمغان آورده است که بر تمام ابعاد زندگی سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و حتی نظام خویشاوندی و گروه‌های خانوادگی انسان قرن بیست و یکم تاثیر گذاشته است که تبدیل شدن تعامل و روابط رودررو به روابط با واسطه، کاهش دید و بازدیدها و شب نشینی‌ها، بیگانه شدن خویشاوندان با یکدیگر و... از آن

جمله‌اند. فناوری‌های نوین ارتباطی اطلاعاتی، با فراهم آوردن امکان پیدایی جامعه شبکه‌ای که افراد و جوامع را در قالب‌های تازه، هویت‌های تازه بخشیده، نه تنها قواعد و قوانین حاکم بر ارتباط و تعامل میان انسان‌ها، بلکه نگرش ما را نسبت به خود، دیگران و جهان تغییر داده است (کاستلز^۱، ۱۳۸۷: ۲۰). انقلاب ارتباطی سده بیست و یک را باید بسیار فراتر از صرف الکترونیکی کردن رابطه انسان‌ها دانست. جهان امروز با چالش‌های همزمان فناوری ارتباطی و فرهنگی روبه‌رو است. نخستین چالش به رسانه و فناوری‌های مرتبط با آن مربوط می‌شود و چالش دوم از راه‌ها و وسایل پذیرش فناوری در شیوه‌ی زندگی فردی و نظام اجتماعی یعنی چگونگی پیوند خوردن فناوری به شیوه‌های زندگی افراد و هویت اجتماعی و قومی آنها مربوط می‌شود. عرضه هر فناوری جدید تغییراتی را به دنبال دارد (هنسون^۲؛ ۱۳۸۱: ۱۱). در این مقاله سعی شده است، رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای، رابطه ناب، مردسالاری و فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات با گروه‌های خانوادگی بررسی شود.

ضرورت و اهمیت پژوهش

ورود تکنولوژی‌های جدید به زندگی انسان، در هر عصر و دوره‌های بر زندگی فردی و به تبع آن بر فرهنگ عمومی و تمام مظاهر زندگی اجتماعی از اقتصاد و سیاست تا حقوق و تأثیرگذار بوده و به طور مداوم در حال اتصال دنیای کار و خانه به یکدیگر است و تعریف مجددی از بودن در هر یک از آنها ارایه می‌دهد اما بعضی از تغییرات ایجاد شده به واسطه تکنولوژی بسیار چشمگیر و برخی دیگر نامحسوس است. فناوری نوین ارتباطی و اطلاعاتی به عنوان یکی از پی آمدهای مدرنیسم، کارکردهای خانواده را تغییر داده است. ارزش‌هایی چون مادی‌گرایی، مصرف‌گرایی و فردگرایی، خانواده را از کارکردهای اصلی خود دور کرده و موجب گسست پیوندهای اصیل خانوادگی شده است. با ورود فن‌آوری مدرن، خانواده‌ها تحت تأثیر ارزش‌های آن قرار می‌گیرند؛ فضای امن و صمیمی خانواده با نادیده گرفتن ارزش‌ها و بایدها و نبایدهای دینی و اخلاقی، از بین می‌رود و کانون ثبات و آرامش گذشته،

1 Castells

2 Henson

به فضای پر اضطراب و بی‌ثبات و نامناسب برای رشد و تربیت اخلاقی و دینی فرزندان تبدیل می‌شود. فن‌آوری‌های رسانه‌ای، خانواده را به فضایی برای فعالیت‌های شخصی و فردی تبدیل می‌کنند که فردگرایی، لذت‌طلبی، و حاکمیت اکثریت به مفهوم غربی - که از برجسته‌ترین خصایص و عناصر مدرنیسم است - بر آن چیره می‌شود. در چنین جوامعی، خانواده ارزش و جایگاه خود را از دست می‌دهد و دچار انواع انحراف‌ها و ناهنجاری‌ها می‌شود. از سویی، تخصص‌گرایی، تلاش برای دست یافتن به موقعیت اجتماعی بهتر و تمایل به کارایی و سودآوری بیشتر، زن و مرد را به رقابت‌های ناسالم سوق می‌دهد و روابط اعضای خانواده را سرد و بی‌ثبات می‌کند. مسئله اصلی در جریان رواج فن‌آوری‌های مدرن، ایدئولوژی یا ارزش‌های نهفته در توسعه و زیرساخت این فن‌آوری‌ها و استفاده‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از آنهاست. به عبارت دیگر، بزرگراه‌های اطلاعاتی و ارتباطی، بی‌طرف و خالی از ارزش‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیستند. اهداف اصلی توسعه جهانی این‌گونه نظام‌های صنایع فرهنگی و اطلاعاتی که مخصوصاً با بازاریابی و روش‌های اقتصادی همراه هستند، این روزها دقیقاً مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته و آگاهی از آنها، شرط اول و لازم در هر گونه برنامه‌ریزی ملی است (مولانا، ۱۳۸۰: ۲۱۵).

پیشینه تحقیق

کروات^۱، پترسون^۲، لاندمارک^۳ و همکاران (۱۹۹۸) دریافته‌اند که استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی جدید، روابط اجتماعی افراد در حالت واقعی را کاهش داده و موجبات کاهش بهزیستی به واسطه تنهایی، افسردگی و انزوا را فراهم کرده است. شویزر^۴ و داگلاس^۵ (۱۹۹۹) معتقدند که برای فراهم کردن تصویری از چگونگی حرکت عناصر فرهنگی از طریق زمان که به وسیله شبکه‌های خویشاوندی در یک روستا تنظیم می‌شود باید از رویکرد نمودار والدینی استفاده کرد. آنها بر نقش شبکه‌های خویشاوندی میان قبایل خاصی در هند در کسب رفاه

1. Kervat
2. Peterson
3. Landmark
4. Shoizer
5. Douglas

تأکید دارند. تحقیقات اخیر جامعه‌شناسان دانشگاه میسوری کلمبیا نشان می‌دهد که استفاده زیاد از شبکه‌های اجتماعی، یکی از مهمترین دلایل فروپاشی کانون خانواده و طلاق است. کوکس^۱ و لئونارد^۲ (۱۹۹۰) در پژوهش تجربی در استرالیا نشان داده‌اند که ارتباطات تلفنی موجب بزرگتر شدن شبکه اجتماعی میان افراد از طریق امکان برقراری ارتباطاتی می‌شوند که به صورت چهره به چهره مقدور نیست.

آق شاهی و کیانی پیکانی (۱۳۸۸) در تحقیق کیفی با موضوع "خویشاوندی در شهر: بررسی رابطه خویشاوندی در خوابگاه متاهلین جلال آل احمد" نشان داده‌اند که مهاجرت به تهران، باعث کاهش روابط خویشاوندی، کم شدن دید و بازدیدها و رفت و آمدهای خانوادگی و حتی کاهش سوتفاهمات و درگیری‌ها و دخالت‌هایی که ناشی از همجواری و یا ارتباطات بیشتر با خویشان و اقوام است، شده است. زوج‌های شیرازی از نوعی زن سالاری چه بصورت پنهان و چه آشکار سخن می‌گویند؛ و زوج‌های ترک به نوعی فرهنگ مرد سالاری را در شهر خود خاطر نشان می‌سازند. همچنین هر دو گروه چنین روابطی را در تهران تا حدودی دارای تساوی دانسته و حتی در مواردی به تزلزل نقش زن در خانواده‌های تهرانی معتقدند.

شمس زاده و شیرازی نژاد (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای تحت عنوان نقش فناوری اطلاعات بر کیفیت زندگی خانواده نشان داده است که اینترنت به جای اینکه نقش اصلی خود که همانا ارتقاء سطح زندگی است را بازی کند به یک مانع تبدیل می‌شود و یکی از راهکار را تعامل با یکدیگر، افزایش اوقات با خانواده، دوستان، خویشان و جامعه می‌داند و موبایل باعث کاهش تمایل فرزندان با خانواده و اطرافیان به صورت مستقیم شده است.

ساروخانی و دولت آباد (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان "ساختار روابط انسانی در خانواده و گرایش به مهاجرت" با روش پیمایش به این نتیجه رسیدند دو متغیر "عمق روابط خویشاوندی" و "گستره روابط خویشاوندی" رابطه‌ای معنادار با متغیر گرایش به مهاجرت داشته‌اند. به عبارت بهتر، افرادی که روابط بیشتر و صمیمی‌تری با خویشان خود دارند، گرایش کمتری به مهاجرت از کشور از خود نشان می‌دهند.

1. Cox

2. Leonard

علیرضائزاد و سرایی (۱۳۸۶) در مقاله ای با عنوان "گستره شبکه روابط اجتماعی زنان شهری و تأثیر تحصیلات دانشگاهی و اشتغال بر آن" با روش پیمایش به این نتیجه رسیدند که ترکیبی از عناصر مدرن و سنتی در شبکه روابط اجتماعی زنان قابل مشاهده است اما به نظر می‌رسد عناصر سنتی کماکان در این ترکیب عناصر مسلط و تعیین کننده‌اند. مهمترین رابطه زنان شهری ایرانی حول محور روابط خانوادگی آنان شکل گرفته است. مهمترین عناصر موجود عبارتند از: روابط خویشاوندی و نیز روابط نقشی که عناصر مدرن را در شبکه روابط اجتماعی زنان شهری نمایندگی می‌کند.

کهلر وهامل (۲۰۰۱) در تحقیقی با عنوان "نقش خانواده‌ها و شبکه‌های خویشاوندی در جوامع ما قبل صنعتی" به منظور توصیف ویژگی‌های سازمان اجتماعی و فعالیت مولد جمعیت اروپای شرقی تحت نفوذالیسم قرن ۱۷، از سرشماری ۱۶۹۸ در کشور اسلونی استفاده نمودند. به طور خاص این پژوهش به مطالعه در مورد توانایی اجتماع یا گروه‌های خانوادگی برای فراهم کردن جایگزین‌هایی برای بازارهای ناپیدا در امنیت و عوامل تولید پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که گروه‌های خانوادگی بازده تولید کشاورزی را به وسیله تسهیل مبادله اکسن افزایش می‌دهد.

مبانی نظری تحقیق:

فناوری نوین

فناوری اطلاعات به فرایند دانش و روش‌های بکارگیری آن در تولید، پردازش، انتقال و به جریان انداختن اطلاعات اطلاق میشود (کریمی پور، ۱۳۸۲: ۴۵). بسیاری از دانشمندان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی بر این باورند که ترکیب و همگرایی فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و تجدید ساختار نظام سرمایه‌داری در دهه‌های اخیر ما را وارد عصر و جامعه تازه‌ای کرده است که دانیل بل آن را جامعه فراصنعتی، کاستلز، جامعه شبکه‌ای و تادائو اومه‌سائو آن را جامعه اطلاعاتی نامیده است (عدلی پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۲). واژه جامعه اطلاعاتی و همچنین عصر اطلاعات و اقتصاد دانش جامعه‌ای را توصیف می‌کند که برای تولید انواع کالاها و خدمات، وابستگی زیادی به کاربرد تکنولوژیک اطلاعات دارد. این بزرگراه‌های

اطلاعاتی بر ارتباطات، آموزش، تفریح و رفاه انسانی موثرند و در حوزه‌های بسیاری آگاهی، نگرش‌ها و رفتارهای بشری را تحت تأثیر قرار می‌دهند (فتحی و مطلق: ۶).

ویلیام مارتین^۱ جامعه اطلاعاتی را جامعه‌ای می‌داند که در آن کیفیت زندگی مانند چشم اندازهای تحول اجتماعی و توسعه اقتصادی به میزان رو به تزایدی به اطلاعات و بهره‌برداری از آن وابسته است در چنین جامعه‌ای استانداردهای زندگی، الگوی اوقات فراغت، نظام آموزشی و بازار کار به میزان کاملاً محسوسی تحت الشعاع پیشرفت‌هایی قرار گرفته‌اند که در قلمرو اطلاعات و دانش‌ها روی داده است (محسنی، ۱۳۸۰: ۲۰-۱۹).

ویلیام آگبورن^۲ معتقد است که تکنولوژی همیشه اولین عامل تغییر اجتماعی است و از آنجا که تکنولوژی به سرعت متحول می‌شود و تغییر در نهادهای اجتماعی به کندی صورت می‌گیرد، نتیجه این امر تأخر فرهنگی است، نوعی فاصله میان نظام‌های جامعه (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۴۵). نیل پستمن^۳ در کتاب تکنوپولی اسارت فرهنگ و اخلاق و مذهب، و در یک کلام جامعه را در چنگال تکنولوژی بررسی می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که «تکنولوژی بدون اخلاق» جامعه آمریکا را نابود کرده و چنین جامعه‌ای، موجودیت سیاره‌خاکی را به خطر انداخته است. وی در این موضوع، سه دوره تاریخی را از هم متمایز می‌سازد: دوره‌ای که در آن، فرهنگ، مذهب و آداب و رسوم بر فناوری و صنعت برتری داشتند و فرهنگ با در اختیار گرفتن فناوری، آثار هنری و معماری‌های زیبایی آفریده است. در این دوره، فن‌آوری در خدمت جامعه و پاسخ‌گویی نیازهای آن بوده است؛ دوره دوم، دوره فن‌سالاری و تکنوکراسی است که در آن، انسان و فن‌آوری در موقعیتی برابر می‌گیرند. در این دوره، هر دو برای رسیدن به برتری و حاکمیت بر دیگری، تلاش می‌کنند و در رقابت دائمی به سر می‌برند. دوره سوم، دوره‌ای است که فن‌آوری بر فرهنگ و انسان برتری می‌یابد و کشمکش و رقابت، با پیروزی فن‌آوری پایان می‌پذیرد. فن‌آوری به ایدئولوژی مجهز می‌شود و با یورش به فرهنگ، آن را در خود حل می‌کند و حاکمیت کامل بر آن می‌یابد. این مرحله، به تعبیر پستمن همان مرحله تکنوپولی است که فن‌آوری با انحصارگرایی و حاکمیت مطلق بر فرهنگ و انسان، ارزش‌ها و

1. Martin

2. Ogburn

3. Neil postman

نیازهای جامعه را سمت و سو می دهد. در این دوره، علم و فن آوری مدرن بر انسان و طبیعت چیره می شود و فرصت نوآوری و ابتکار انسان ها را از بین می برد. از سوی دیگر، با ویژگی ها و کارآمدی خود فراگیر می شود و حاکمیتش را گسترش می دهد. (پستمن، ۱۳۷۳: ۱۰-۱). شاپور اعتماد، در آغاز کتاب «فلسفه ی تکنولوژی»، (هایدگر و دیگران، ۱۳۸۷) می نویسد: تکنولوژی ابزار نیست، تکنولوژی دید است. تکنولوژی اگر هم ابزار در نظر گرفته شود، تجربه ی زندگی آدمی را تغییر می دهد. پیشرفت های دانش فیزیک در اواخر قرون میانی و عصر روشنگری، اثر مشخصی بر زندگی مردم نداشت؛ اما اختراع های مکانیکی، الکتریکی و شاخه های دیگر این علم و به دنبال آن، انقلاب صنعتی، زیستن و چگونه زیستن مردم را دچار دگرگونی بنیادی نمود. پیشرفت های امروزی در علوم ژنتیک و نانو، تنها زمانی که در صورت های فناوری زیستی و نانو تکنولوژی، ابزارهایی در دسترس همگان تولید کند، سبک زندگی مردم را متفاوت خواهد نمود. نه همیشه، اما به طور معمول، علم از رهگذر فناوری بر زندگی ما اثر می گذارد و نگاه ما به جهان و ارتباط ما با طبیعت، دیگر انسان ها و خودمان را دستخوش تغییر می سازد. آنتونی گیدنز (۱۹۸۵) معتقد است که فناوری حامل پیام هایی است که معنای مورد نظر افراد از کنش هایشان و کارکرد ساختارهای جامعه را تحت تأثیر خود قرار می دهد و مهم ترین تغییر، آنجا ایجاد می شود که با نگاه به تکنولوژی نو و کاربرد آن، فرد به چستی خود می اندیشد؛ یعنی فراگرد خویشتن اندیشی و ارتباط آدمی با خود، بازتعریف می شود و بازاندیشی و بازسازی معنا، به نقطه ی عطف خود می رسد.

گروه خانوادگی

خانواده به عنوان نخستین نهاد اجتماعی نقش پایدار و تعیین کننده ای در شکل گیری رفتار، افکار جدید و شخصیت افراد ایفا می کند. نحوه و ساختار تعامل فرد با دیگران و محیط اجتماعی تحت تأثیر تجاربی است که از محیط خانواده کسب شده است. بنابراین خانواده یکی از ساخت های قدرتمند جامعه است (سمیعی، ۱۳۸۷: ۹۵). مفهوم خانواده تا نیمه سده نوزدهم، با افکار و دیدگاه های فلسفی همراه بود. خانواده مظهر عشق و عدالت بود، بنابراین بحث پیرامون خانواده و قانون های ازدواج و انواع روابط خویشاوندی، تا اندازه ای کفر و اهانت به

مقدسات بود. نخستین کسانی که از اوایل سده نوزدهم به مطالعه خانواده و ازدواج در میان جوامع ابتدایی پرداختند، وکلا و حقوقدانان و دانشجویان رشته‌های حقوق بودند. زیرا خانواده و ازدواج مجموعه‌ای از قوانین است. خانواده از سویی بر پایه مجموعه‌ای از پیوندهای عمیق عشقی و عاطفی شکل می‌گیرد، و از دیگر سو، مجموعه‌ای از قوانین پیچیده عرفی و شرعی و مدنی است. مین، پس از مطالعه‌های بسیار دریافت که کلید درک مسائل، جامعه و خانواده است؛ و به این نتیجه رسید که پیوند خویشاوندی، نقشی بنیادی دارد و برای شناخت جوامع، شناخت خانواده ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. بر اساس دیدگاه ساختارگرایی، خویشاوندان با یکدیگر دارای ارتباطات و کنش متقابل اجتماعی است، روابط همبستگی در بین آنها افزایش می‌یابد. به طور کلی تجمع‌های انسانی شبکه‌های روابط بین افراد را به وجود می‌آورد. در مکتب کارکردگرایی روابط خویشاوندی به عنوان یک عنصر فرهنگی دارای کارکرد است و این روابط باعث انسجام اجتماعی می‌شود و بدین ترتیب علت موجودیت آن نیز ناشی از کارکرد آن است که عبارتند از: مرتبط ساختن اشخاص با یکدیگر، رهبری کردن، نظم بخشیدن و کنترل رفتار آنان در برابر یکدیگر (وایت^۱، ۱۳۷۹: ۱۸۱). و بر اساس یکی از اصول مکتب مبادله، انسان‌ها به دنبال سود هستند و از اعمالی که برای آنها منفعتی نداشته باشد، دوری می‌کنند. می‌توان گفت چون رفت و آمد و صله ارحام و مهمانی دادن برای خانواده‌ها هزینه بر است، روابط خویشاوندی کاهش یافته است (محمدی و صادقی، ۱۳۸۸: ۱۴۱).

فناوری نوین و گروه‌های خانوادگی

اشاعه بعضی از عناصر فرهنگی و استفاده از وسایل ارتباطی چون تلویزیون، اینترنت، ماهواره، تلفن همراه و غیره باعث کاهش اهمیت روابط خویشاوندی در بین خانواده‌ها شده است. تافلر^۲ (۱۳۶۶)، شرایط جدید دنیا را موجب تغییرات اجتماعی و فرهنگی می‌داند به طوری که در خانواده‌ها نمایان می‌شود و الگوی رایج خانواده به صورت الگوهای کهنه شده در می‌آید و از دور خارج می‌شوند. رسانه‌های ارتباطی موج سوم هم به افراد کمک می‌کند تا

1. white
2. Toffler

فردیت خود را به دست آورند و هم به آنها کمک می‌کند تا به تولید تصاویر ذهنی خود بپردازند. انقلاب ارتباطی به هر فردی تصویر پیچیده تری از خودش می‌دهد و سبب می‌شود که هویت افراد تنوع بیشتری پیدا کند.

تجدد در اصل و اساس نوعی نظم اجتماعی پس از نظام‌های سنتی است. تغییر شکل زمان و فضا در ترکیب با راه و روش‌های تکه برداری، زندگی اجتماعی را از حیطه نفوذ احکام یا تکالیف و کردارهای از پیش تعیین شده دور می‌کند. به اعتقاد گیدنز، زمینه‌های محلی اعتماد، بر فرهنگ‌های پیش از مدرن تسلط دارند، که هر یک از این زمینه‌ها بر وفق سامان اجتماعی خاص شان گوناگونی‌های بسیاری را می‌پذیرند. نخستین زمینه اعتماد، نظام خویشاوندی است که در بیشتر محیط‌های پیش از مدرن شیوه‌ی به نسبت ثابت سازماندهی «رشته‌های» روابط اجتماعی را در راستای زمان و مکان فراهم می‌سازد. دومین زمینه، اجتماع محلی است که به منظور تأکید بر روابط محلی سازماندهی شده بر مبنای مکان است، جایی که هنوز مکان بر اثر روابط فاصله دار زمانی - مکانی دگرگون نشده است. اما در چارچوب جوامع جدید، بر عکس «خود» دگرگونی یافته را باید از طریق کاوش‌های شخصی دریابیم و آن را به عنوان بخشی از فرایند تماس متقابل بین تغییرات شخصی و اجتماعی بسازیم و استوار نگه داریم که جایگزین روابط خویشاوندی شده است و نظام‌های انتزاعی به عنوان وسیله تثبیت روابط در راستای پهنه‌های نامشخص زمانی - مکانی جایگزین اجتماع محلی شده است. برخی معتقدند مراحل پیشرفته تر نظام سرمایه داری در راستای استفاده حداکثری از توانایی انسان‌ها، تمام زندگی را در اشغال خود گرفته است و گسترش فناوری نوین را خطری برای کیفیت زندگی مدرن می‌داند. از نظر برخی دیگر، این تغییرها فرصت نوینی برای یکپارچه سازی کار و زندگی خانوادگی مهیا کرده است (ذکایی و ولی زاده، ۱۳۸۸: ۱۲۵).

چارچوب نظری

با توجه به مباحث فوق و توجه به این نکته که ما نمی‌توانیم زندگی روزانه خود را بدون فن آوری ارتباطات و اطلاعات (ICT) تصور کنیم و نیز اینکه رسانه‌های جدید نه تنها تغییراتی را در اوقات فراغت ما به وجود آورده است، بلکه کارهای اکنون ما نیز منوط به فرصت دسترسی

به یک رسانه جدید برای زندگی روزانه است و به دنبال خود تغییراتی را در زندگی افراد جوان و از جمله زنان به وجود می‌آورد بنابراین سؤال قابل توجه این است که آیا فن‌آوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، در زندگی زنان تأثیر گذاشته است؛ آیا محیط‌های اعتماد پیش از مدرن در جامعه حکمفرماست یا مدرن؟ یه به تعبیری دیگر آیا روابط شخصی جایگزین روابط خویشاوندی شده است.

بنابراین از لحاظ جامعه‌شناختی فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی جدید ممکن است باعث عدم انسجام و عدم اشتراک بهینه اعضاء گروه‌های خانوادگی شود و از لحاظ روان‌شناختی نیز منجر به کاهش پیوند عاطفی شود که در هر دو مورد ارتباط و تعامل کارآمد که از طریق مهارت، گوش دادن و همدلی است به خاطر کاهش گفتگو کم می‌شود (فتحی و مطلق: ۱۰). از آنجایی که در پژوهش حاضر متغیرهای متعددی برای تبیین تأثیر فناوری‌های نوین بر گروه خانوادگی مطرح شده است، چارچوب نظری پژوهش ترکیبی است، بدین معنا که بر پایه چند تئوری بنا نهاده شده است. اولین متغیر مطرح شده در پژوهش فناوری نوین است که در ارتباط با تأثیر فناوری نوین بر گروه‌های خانوادگی "نظریه استفاده و کسب لذت" چارچوب غالب را در تحلیل گزارش تشکیل می‌دهند که این رویکرد تلاشی است برای تبیین نحوه ارتباط، فهم و تفسیر افراد از فناوری، تخصیص آن و سازوکارهای این فرآیند (ذکایی و ولی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۳۲). در تحلیل ارتباط مردسالاری و گروه خانوادگی از نظریه گیدنز استفاده شده است در حالی که برای تعبیر تأثیر ارتباط ناب بر گروه خانوادگی از نظریه کنش متقابل بهره‌جسته شده است.

روش تحقیق

در این پژوهش از روش پیمایشی بهره گرفته شد و پرسش‌نامه ابزار جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز بود. پرسش‌نامه پژوهش حاوی گویه‌های نگرشی و همچنین سوالاتی در خصوص رفتارهای عینی، ذهنی و ویژگی‌های فردی پاسخگویان بود. چارچوب نمونه‌گیری تحقیق محدوده‌ی مصوب شهری شیراز بوده است. شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود. حجم نمونه با استفاده از فرمول لین محاسبه شد (لین ۱۹۷۸). نمونه‌ی گزینشی با ضریب

پایایی، ضریب اطمینان ۹۵ درصد و واریانس جمعیت ۵۰-۵۰ درصد (فرض بالاترین حد واریانس در جمعیت) برابر با ۳۹۵ نفر بود.

آمار توصیفی

میانگین سن شرکت کنندگان در این پژوهش ۲۱ سال بوده است و اکثریت پاسخگویان (۳۹/۲ درصد) مشغول به تحصیل در سال سوم تحصیل خود بوده اند. در ارتباط با تحصیلات پدر، ۱۷/۶ درصد دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۳۵/۳ درصد دارای دیپلم یا فوق دیپلم، ۲۹/۴ درصد دارای تحصیلات کارشناسی و ۱۷/۶ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر بوده اند. همچنین در مورد تحصیلات مادر، ۱۹/۶ درصد مادران دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۴۱/۲ درصد دارای تحصیلات دیپلم یا فوق دیپلم، ۲۷/۵ درصد دارای تحصیلات کارشناسی و ۱۱/۸ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر بوده اند.

آمار استنباطی

فرضیه ۱: تفاوت معنی داری بین افراد مجرد و متأهل بر حسب گروه‌های خانوادگی وجود دارد.

جدول ۱ نشان دهنده‌ی نتایج آزمون رابطه بین وضعیت تأهل و گروه‌های خانوادگی با استفاده از آزمون تی مستقل است. بر اساس نتایج بدست آمده، میانگین نمرات پاسخگویان مجرد و متأهل از گروه‌های خانوادگی، به ترتیب ۲۳/۶۱ و ۲۱/۰۸ است. مقدار T بدست آمده ۳/۰۰۷ است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد با توجه میزان sig به دست آمده (۰/۰۰۳) معنی دار است. به عبارت دیگر تفاوت معنی داری بین وضعیت تأهل و گروه‌های خانوادگی وجود دارد. یعنی وضعیت تأهل بر روی گروه‌های خانوادگی تأثیر داشته است. پس فرض H_0 مبنی بر عدم وجود تفاوت معنی دار بین وضعیت تأهل و گروه‌های خانوادگی رد و فرضیه فوق تأیید می‌شود.

جدول ۱- نتایج آزمون رابطه میانگین‌های بین وضعیت تاهل و گروه‌های خانوادگی

sig	T	خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	فراوانی	متغیر	
						وضعیت	تاهل
۰/۰۰۳	۳/۰۰۷	۰/۳۵۱	۵/۸۹۲	۲۳/۶۱	۲۸۱	مجرد	تاهل
		۰/۸۳۶	۶/۶۳۴	۲۱/۰۸	۶۳	متاهل	

فرضیه ۲: بین محل سکونت و گروه‌های خانوادگی رابطه وجود دارد.

جدول ۲ نشان دهنده نتایج آزمون رابطه بین محل سکونت و گروه‌های خانوادگی با استفاده از آزمون تی مستقل است. بر اساس نتایج بدست آمده، میانگین نمرات پاسخگویان ساکن شهر و روستا از گروه‌های خانوادگی، به ترتیب ۲۳/۳۲ و ۲۲/۶۶ است. مقدار T بدست آمده ۰/۷۹۰ است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد با توجه به میزان sig به دست آمده (۰/۴۳۰) معنی دار نیست. به عبارتی دیگر تفاوت معنی دار بین محل سکونت و گروه‌های خانوادگی وجود ندارد. پس فرض H_0 مبنی بر عدم وجود تفاوت معنی دار بین محل سکونت و گروه‌های خانوادگی تأیید و فرضیه فوق رد می‌شود.

جدول ۲- نتایج آزمون رابطه میانگین‌های بین محل سکونت و گروه‌های خانوادگی

sig	T	خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	فراوانی	متغیر	
						محل	سکونت
۰/۴۳۰	۰/۷۹۰	۰/۳۷۴	۶/۱۷۲	۲۳/۳۲	۲۷۲	شهر	سکونت
		۰/۷۱۱	۵/۸۶۱	۲۲/۶۶	۶۸	روستا	

فرضیه ۳: بین ارتباط ناب و گروه‌های خانوادگی رابطه وجود دارد.

جدول ۳ نشان دهنده نتایج حاصل از آزمون رگرسیونی رابطه بین ارتباط ناب و گروه‌های خانوادگی است. بر اساس نتایج آزمون، همبستگی ضعیفی (۰/۱۳۹) بین ارتباط ناب و میزان تجارب کسب شده در رابطه بین دختر و پسر وجود دارد. مقدار R^2 (۰/۰۱۹) نشان می‌دهد که

متغیر ارتباط ناب، ۱/۹ درصد از تغییرات گروه‌های خانوادگی را تبیین کرده است. با توجه به ضریب B بدست آمده (۰/۱۱۰-)، به ازای یک واحد افزایش در متغیر ارتباط ناب، گروه‌های خانوادگی به میزان ۰/۱۱۰ کاهش می‌یابد. بنابراین رابطه دو متغیر منفی و معکوس است. مقدار T برای متغیر ارتباط ناب، ۲/۳۸۸- است و با توجه به p-value بدست آمده (۰/۰۱۹)، در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. پس فرض H_1 مبنی بر وجود رابطه معنی‌دار بین ارتباط ناب و گروه‌های خانوادگی تأیید می‌گردد.

جدول ۳- نتایج رگرسیونی رابطه بین ارتباط ناب و گروه‌های خانوادگی

متغیر	R	R ²	ضریب B	بتا	خطای استاندارد	T	p-value
ارتباط ناب	۰/۱۳۹	۰/۰۱۹	-۰/۱۱۰	-۰/۱۳۹	۰/۰۴۶	-۲/۳۸۸	۰/۰۱۸

فرضیه ۴: بین مرد سالاری و گروه‌های خانوادگی رابطه وجود دارد.

جدول ۴ نشان دهنده نتایج حاصل از آزمون رگرسیونی رابطه بین مرد سالاری و گروه‌های خانوادگی است. بر اساس نتایج آزمون، همبستگی متوسطی (۰/۳۳۵) بین مرد سالاری و میزان تجارب کسب شده در رابطه بین دختر و پسر وجود دارد. مقدار R² (۰/۱۱۲) نشان می‌دهد که متغیر مردسالاری، ۱۱/۲ درصد از تغییرات گروه‌های خانوادگی را تبیین کرده است. با توجه به ضریب B بدست آمده (۰/۳۳۹)، به ازای یک واحد افزایش در متغیر مرد سالاری، گروه‌های خانوادگی به میزان ۰/۳۳۹ افزایش می‌یابد. بنابراین رابطه دو متغیر مثبت و مستقیم است. مقدار T برای متغیر مرد سالاری، ۵/۰۱۲ است و با توجه به p-value بدست آمده (۰/۰۰۰)، در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. پس فرض H_1 مبنی بر وجود رابطه معنی‌دار بین مردسالاری و گروه‌های خانوادگی تأیید می‌گردد.

جدول ۴- نتایج رگرسیونی رابطه بین مردسالاری و گروه‌های خانوادگی

متغیر	R	R2	ضریب B	بتا	خطای استاندارد	T	p-value
مردسالاری	۰/۳۳۵	۰/۱۱۲	۰/۳۳۹	۰/۳۳۵	۰/۰۵۳	۶/۳۷۴	۰/۰۰۰

فرضیه ۵: بین رسانه‌های نوین و گروه‌های خانوادگی رابطه وجود دارد.

جدول ۵ نشان دهنده نتایج حاصل از آزمون رگرسیونی رابطه بین رسانه‌های نوین (اینترنت، موبایل، ماهواره) و گروه‌های خانوادگی است. بر اساس نتایج آزمون، همبستگی ضعیفی (۰/۱۴۳) بین رسانه‌های نوین و میزان تجارب کسب شده در رابطه بین دختر و پسر وجود دارد. مقدار R2 (۰/۰۲۰) نشان می‌دهد که متغیر رسانه‌های نوین، حدود ۲ درصد از تغییرات گروه‌های خانوادگی را تبیین کرده است. با توجه به ضریب B بدست آمده (۰/۱۵۱)، به ازای یک واحد افزایش در متغیر رسانه‌های نوین، گروه‌های خانوادگی به میزان ۰/۱۵۱ افزایش می‌یابد. بنابراین رابطه دو متغیر مثبت و مستقیم است. مقدار T برای متغیر رسانه‌های نوین، ۲/۶۵۰ است و با توجه به p-value بدست آمده (۰/۰۰۸)، در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. پس فرض H1 مبنی بر وجود رابطه معنی دار بین رسانه‌های نوین و گروه‌های خانوادگی تایید می‌گردد.

جدول ۵- نتایج رگرسیونی رابطه بین رسانه‌های نوین و گروه‌های خانوادگی

متغیر	R	R2	ضریب B	بتا	خطای استاندارد	T	p-value
رسانه‌های نوین	۰/۱۴۳	۰/۰۲۰	۰/۱۵۱	۰/۱۴۳	۰/۰۵۷	۲/۶۵۰	۰/۰۰۸

فرضیه ۶: بین رسانه‌های غیر نوین و گروه‌های خانوادگی رابطه وجود دارد.

جدول ۶ نشان دهنده نتایج حاصل از آزمون رگرسیونی رابطه بین رسانه‌های غیر نوین (تلویزیون، رادیو) و گروه‌های خانوادگی است. بر اساس نتایج آزمون، همبستگی ضعیفی (۰/۰۵۲) بین رسانه‌های غیر نوین و میزان تجارب کسب شده در رابطه بین دختر و پسر وجود

دارد. مقدار R^2 (۰/۰۰۳) نشان می‌دهد که متغیر رسانه‌های غیر نوین، حدود ۳ هزارم از تغییرات گروه‌های خانوادگی را تبیین کرده است. با توجه به ضریب B به دست آمده (۰/۱۱۲-)، به ازای یک واحد افزایش در متغیر رسانه‌های غیر نوین، گروه‌های خانوادگی به میزان ۰/۱۱۲ کاهش می‌یابد. بنابراین رابطه دو متغیر منفی و معکوس است. مقدار T برای متغیر رسانه‌های غیر نوین، ۰/۹۶۴- است و با توجه به p -value به دست آمده (۰/۳۳۶)، در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نمی‌باشد. پس فرض H_0 مبنی بر عدم وجود رابطه معنی دار بین رسانه‌های غیر نوین و گروه‌های خانوادگی تأیید و فرضیه فوق رد می‌شود.

جدول ۶- نتایج رگرسیونی رابطه بین رسانه‌های غیر نوین و گروه‌های خانوادگی

متغیر	R	R^2	ضریب B	بتا	خطای استاندارد	T	p-value
رسانه‌های غیر نوین	۰/۰۵۲	۰/۰۰۳	-۰/۱۱۲	-۰/۰۵۲	۰/۱۱۶	-۰/۹۶۴	۰/۳۳۶

تحلیل رگرسیون چند گانه به روش گام به گام

جدول ۷ نشان‌دهنده نتایج حاصل از رگرسیون گام به گام (گروه‌های خانوادگی) است. در تحلیل رگرسیون چند گانه متغیرهای پیش‌بینی کننده بر اساس اهمیت آنها در تبیین متغیر وابسته، وارد معادله می‌شوند. متغیر مردسالاری در معادله باقی ماند. در رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام تا جایی متغیرها وارد معادله می‌شوند که دیگر کمکی به پیش‌بینی نکنند. این متغیر در نهایت توانسته است ۸/۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کند.

جدول ۷- عناصر اصلی تحلیل چند متغیره به روش گام به گام مرحله اول برای پیش بینی متغیر وابسته (گروه‌های خانوادگی)

مرحله	R	R2	Adj. R2	B	Beta	مقدار T	sig
اول	۰/۲۸۵	۰/۰۸۱	۰/۰۷۸	۰/۲۸۶	۰/۲۸۵	۴/۹۱۶	۰/۰۰۰

$$F=۲۴/۱۶۹ \quad a=۱۵/۱۹۴$$

نتیجه گیری

با اتکا به داده‌های این پژوهش، میتوان اظهار داشت که ضمن حفظ اهمیت نقش عناصر خانوادگی و عرصه خصوصی در شکل دهی به روابط اجتماعی زنان شهری، شاهد ظهور عناصر جدیدی در مجموعه روابط اجتماعی آنان هستیم. عنصر استفاده از وسایل ارتباطی نوین در شکل بندی شبکه روابط اجتماعی زنان شهری، ایفای نقش می کند. نتایج حاکی از آن است که استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی فرصت دستیابی به سطح متنوعی از روابط اجتماعی را برای زنان فراهم می آورد و این روابط را پایدار می کند. در شرایط سنتی، زن ایرانی در محدوده روابط خانوادگی خود زندگی می کرد و روابط اجتماعی وی نوعاً از جنس گروه‌های خانوادگی بود. اما با دسترسی به فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، شاهد ظهور عناصر نقشی در شبکه روابط اجتماعی این بانوان هستیم. روابط عاطفی نیز از جمله روابط جدیدتری است که دو عنصر یاد شده برای زنان فراهم کرده است.

نکته مهم آن است که دسترسی زنان به عنصر وسایل ارتباطی نوین، در خارج از خانه، توانسته است از وزن عناصر سنتی خویشاوندی به طور جدی بکاهد. به عبارت دیگر، همچنان در روابطی که فرد به همراه خانواده خود برقرار می کند و هم چنین روابطی که شخصاً و مستقل از خانواده خود تداوم میبخشد، روابط با اعضای خانواده و خویشاوندان به ویژه خویشاوندان درجه اول نوع مسلط را تشکیل می دهد.

روابط نقشی به معنی رابطه با دوستان و همکاران، در بین استفاده کنندگان از ICT قابل مشاهده است. عناصری از قبیل روابط فکری و نقشی در نزد زنان استفاده کننده از ICT بیش از همه دیده می شود. بنابراین می توان اظهار داشت که داده‌های این پژوهش حاکی از آن است

که شکل‌بندی شبکه روابط اجتماعی زنان استفاده‌کننده از ICT، نشان‌دهنده مشخصات ویژه‌های است که هم از عناصر مدرن و هم از عناصر سنتی و با تسلط عناصر سنتی، بهره‌برده است.

منابع

- ۱- آق‌شاهی، مونا و کیانی پیکانی، سمیه (۱۳۸۸)، خویشاوندی در شهر: بررسی رابطه خویشاوندی در خوابگاه متاهلین جلال آل‌احمد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ۲- پستمن، نیل. (۱۳۷۳)، تکنوپولی، تسلیم فرهنگ به تکنولوژی، (ترجمه: صادق طباطبایی). تهران: اطلاعات
- ۳- پستمن، نیل (۱۳۸۴)، زندگی در عیش، مردن در خوشی، ترجمه: صادق طباطبایی، تهران: اطلاعات
- ۴- تافلر، الوین (۱۳۶۲)، موج سوم، ترجمه: شهیندخت خوارزمی، تهران
- ۵- سمیعی، زهره (۱۳۸۷)، خانواده و اعتماد اجتماعی، پژوهشنامه اعتماد اجتماعی، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، شماره ۱۶.
- ۶- شمس‌زاده، پروین و شیرازی‌نژاد، آزاده (۱۳۸۸)، نقش فناوری اطلاعات بر کیفیت زندگی خانواده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- ۷- ذکایی، محمدسعید و ولی‌زاده، وحید (۱۳۸۸)، فرهنگ جوانان و تلفن همراه، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره ۷.
- ۸- کرمی‌پور، محمدرضا (۱۳۸۲)، مدیریت آموزشی در عصر اطلاعات، تکنولوژی آموزشی، شماره ۲، ص ۴۵.
- ۹- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۷) "عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ". جلد اول: ظهور جامعه شبکه‌ای، علی‌پایا (ویراستار ارشد)، احد علیقلیان، افشین خاکباز. تهران: طرح‌نو.
- ۱۰- هنسون، جریس و اوما نارولا (۱۳۸۱)، "فناوری جدید ارتباطی در کشورهای در حال توسعه"، ترجمه داوود حیدری، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- ۱۱- ساروخانی، باقر (۱۳۸۰)، در آمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان.

- ۱۲- محسنی، منوچهر (۱۳۸۰)، مبانی جامعه‌شناسی جامعه اطلاعاتی، تهران: نشر دیدار.
- ۱۳- مولانا، حمید. ۱۳۸۰. ظهور و سقوط مدرن. تهران: کتاب صبح.
- ۱۴- پستمن، نیل. ۱۳۷۳. تکنوپولی، تسلیم فرهنگ به تکنولوژی. ترجمه: صادق طباطبایی. تهران: اطلاعات
- ۱۵- پستمن، نیل. ۱۳۸۴. زندگی در عیش، مردن در خوشی. ترجمه: صادق طباطبایی. تهران: اطلاعات.
- محمدی، اصغر و صادقی، زهرا (۱۳۸۸)، بررسی تأثیر فرزندسالاری بر روابط خانوادگی و خویشاوندی در شهر شیراز، زن و مطالعات خانواده، سال دوم، شماره ۵.
- ۱۶- هایدرگر، مارتین و دیگران (۱۳۸۷)، فلسفه‌ی تکنولوژی، انتخاب مقاله‌ها، ترجمه و مقدمه از شاپور اعتماد، تهران، نشر مرکز.
- ۱۷- کرمی پور، محمدرضا، «مدیریت آموزشی در عصر اطلاعات»، تکنولوژی آموزشی، شماره ۲، آبان ۸۲، ص ۴۵.
- ۱۸- وایت، لسلی (۱۳۷۹)، تکامل فرهنگ، ترجمه: فریبرز معیدی، انتشارات پشتیبان.
- 19- Giddens, Anthony (1985), The Constitution of Society, Outline of the Theory of Structuration, cambridge, policy press
- 20- Hanaki, Nobuyuki, Satomi Kurosu. (2010) Marriage relationships among households in the mid 19th century Tama, Japan, Socioeconomic homogamy, geographical endogamy and kinship networks. History of the Family 15 333° 347.
- 21- Kohler, Hans-Peter, Eugene A. Hammel. (2001). On the role of families and kinship networks in pre-industrial agricultural societies: An analysis of the 1698 Slovenian census. Journal of population economics, 14: 21-49.
- 22- Dow Malcolm McLaren. (1999). Review Book: Kinship, Networks and Exchange by Thomas Schweizer and Douglas R. White. American Anthropologist; 101, 3; ProQuest Social Science Journals pg. 692
- 23- Murphy, Michael, (2008). Variations in Kinship Networks Across Geographic and Social Space . Population and Development Review. 3 4 (1): 1 9 4 ° 9
- 24- Putnam, R. D. (2000). Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community. New York: Simon and Schuster.
- 25- Schneider, D.M., (1984). Critique of the Study of Kinship, Ann Arbor: University of Michigan Press.

- 26- White, Douglas R. & Paul Jorion, (1996) « Kinship networks and discrete structure theory:
27- Applications and implications », Social Networks 18,: 267-314. 26-
Kraut,R, Paterson,M,Lundmark, V&Scherilis, W (1998), Internet paradox:
A Social technology that recurds social involvement and psychological
wellbeing? American psychologist, 53(9).

